

مقایسه تطبیقی دو حمله حیدری راجی کرمانی و باذل مشهدی

چکیده

حکیمه دانشور کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و رئیس تربیت معلم شهید باهنر کرمان در یک نگاه کلی این گونه به نظر می‌رسد که حماسه‌های مصنوعی به تقلید از حماسه‌های طبیعی ساخته و پرداخته می‌شوند، ولی به خاطر جایگاه تاریخی و داشتن قهرمانان دینی و مذهبی چهره افسانه‌ای و اسطوره و ملی خود را از دست می‌دهند. از آنجا که قهرمانان مذهبی دارای تقدس‌اند، بیان هر مسئله و واقعه‌ای که به دور از جنبه تاریخی باشد خود حماسه را تحت الشعاع قرار می‌دهد و از واقعیت دور می‌سازد. نیز از صلابت سخن می‌کاهد و خرق عادت و اسطوره را از حماسه می‌گیرد. حماسه‌های دینی هم هر جا واقعا به تاریخ تبدیل می‌شوند، جوهر شعری و قوت و عظمت خود را از دست می‌دهند. در تاریخ آنچه اهمیت دارد، راست بودن آن است و در حماسه پیش از هر چیز دیگر اهمیت در شگفت‌انگیزی است و راست‌نمایی (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۲۰۷). این واقعیتی است که هرگز حماسه مصنوعی رانمی‌توان همپایه حماسه طبیعی دانست اما در بین حماسه‌های مصنوع شاید بتوان به راستی ادعا کرد که راجی حقیقتاً فردوسی ثانی است. «گرچه ملابمانعلی نیز به عنوان شاعر به صحت و سقم روایات توجهی نداشته است و به عنوان شاعری که حماسه مذهبی را به رشته نظم کشیده از مآخذ و منقولات شفاهی بهره گرفته و گاه با تخیل شاعرانه آن‌ها را پرورده است و کم و بیش آن را در کارگاه نظم خویش بر ساخته» (راجی کرمانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۲۶). «اما جزالت کلام راجی در جای جای حمله حیدری قابل مشاهده است، لیکن آنجا که پای مفاخره به میان می‌آید، اوج کلام او دیدنی تر است» (راجی کرمانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۳۳). و سبک آمیخته از گونه حماسی - غنایی، عرفانی او بر زیبایی سخنش می‌افزاید.

کلید واژه‌ها:

حمله حیدری، باذل مشهدی، راجی کرمانی، حماسه مصنوع.

مقدمه

در این مقاله کوشیده است ابیاتی را که این دو شاعر در مورد این جنگ سروده‌اند، مقایسه کند.

راجی کرمانی

ملابمانعلی کرمانی متخلص به راجی (فردوسی ثانی) از شاعران و حماسه‌سرایان اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم است. ابتدا دین او زرتشتی بود و در آغاز به شال‌بافی اشتغال داشت. در مورد او نقل می‌کنند که به بیماری صعب‌العلاجی مبتلا می‌شود و به خاطر فقر مالی و نبود امکانات از معالجت او عاجز و مأیوس می‌شوند؛ از آنجا که زرتشتیان ارادت خاصی به سیدالشهدا دارند، در یک روز عاشورا هنگامی که راجی در خانه خود صدای دسته‌جات عزاداری را می‌شنود، از خانواده خویش می‌خواهد که او را به کوچه ببرند. خانواده‌اش وی را برای شرکت در مراسم عزاداری به تکیه‌ای که در حوالی منزل او و محل برگزاری مراسم تعزیه‌داری بوده است می‌برند. ملابمانعلی

ملابمانعلی راجی کرمانی متخلص به فردوسی ثانی شاعر حماسه‌سرای است که در قرن دوازدهم زندگی می‌کرد. ابتدا مذهب او زرتشتی بود اما در اثر عنایت حضرت علی (ع) بیماری‌اش شفا یافت و بعد از آن به دین اسلام مشرف شد. او به خاطر شعرهایش مورد توجه حکام روزگار خویش، از جمله فتحعلی‌شاه قرار گرفت. حمله حیدری از آثار برجسته اوست. شعر وی پخته، روان و با صلابت است. از سوی دیگر، در همین قرن و در عهد سلطنت شاه جهان حمله حیدری دیگری نیز نوشته شده که از باذل مشهدی است. شاعری که خاندانش از مشهد به هندوستان مهاجرت می‌کند و باذل در همان جا به دنیا می‌آید و در همان‌جا نیز از دنیا می‌رود. ابیاتی از جنگ عمر بن عبدوعلی (ع) از دیوان حمله حیدری باذل مشهدی، در کتاب ادبیات فارسی سال دوم دبیرستان آمده است. نگارنده

لافتی اعلیٰ علی سینه اولاد و الفنا

شده است.» (راجی کرمانی؛ ۱۳۸۳، ج ۱: ۷-۵)
 «کتاب حملهٔ حیدری با بیش از سی هزار بیت بر وزن شاهنامه فردوسی و دیوان اشعار شامل قصاید، غزلیات و غیره از آثار به جای مانده از اوست که با این بیت آغاز می‌گردد:
 به نام خداوند دانای فرد که از خاک، آدم پدیدار کرد
 و شامل ابیاتی در وصف آفرینش موجودات، در اوصاف جناب ابوطالب و زندگی علی (علیه‌السلام) و ساقی‌نامه و نیز اشعاری در مورد حوادث کربلا به نام کربلائیات که عمده این ابیات در مورد داستان حضرت قاسم، پسر امام حسن (ع) است. راجی این داستان را با ابیاتی در مورد حمد و ستایش خداوند این گونه آغاز می‌کند:
 به نام خداوند دانای راز
 سخن گستر از سخن بی‌نیاز... (راجی کرمانی؛ ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۷۷)

بازل مشهدی

«میرزا محمدبازل، ملقب به رفیع‌خان، ناظم اصلی حملهٔ حیدری است. نسب او به خواجه شمس‌الدین محمد صاحب دیوان جوینی می‌رسید و خاندانش پیش از انتقال به هندوستان در مشهد به سر می‌بردند.
 عمش میرزا محمدطاهر ملقب به وزیرخان در عهد سلطنت شاه جهان از مشهد به هند رفت و در شمار ملازمان اورنگ زیب عالم‌گیر درآمد. میرزا دو برادر داشت: نخست میرزا محمد سروقد و دوم میرزا محمود.
 میرزا محمدبازل پسر همین میرزا محمود مشهدیست که در شاه جهان آباد ولادت یافت و در سال ۱۱۲۳ به دهلی بازگشت و در همان‌جا در گذشت. وی شعر می‌سرود و به عادت شاعران زمان بیشتر به غزل‌گویی اشتغال داشت اما شهرتش به سبب منظومهٔ حملهٔ حیدری است که بیست و چهار هزار بیت آن را سرود و باقی را میرزا ابوطالب فندرسکی اصفهانی تمام کرد.» (صفا؛ ۱۳۶۳، ج ۵، ۵۹۱)
 دنباله مطلب در وبگاه

با مشاهدهٔ صحنه‌های عزاداری تحت تأثیر قرار می‌گیرد و منقلب می‌شود و گریهٔ زیادی می‌کند؛ به نحوی که از حال می‌رود و در حال بیهوشی مولای متقیان را در خواب می‌بیند که خطاب به او می‌فرماید: «بمان، بلند شو». در این هنگام او به هوش می‌آید و احساس می‌کند که بهبودی حاصل نموده و سالم است و بلند می‌شود و در حالت انقلاب روحی که به او دست داده است، شروع به عزاداری می‌کند و به دین اسلام مشرف می‌شود و نام خویش را به بمانعلی تغییر می‌دهد. (دانشور؛ ۱۳۷۵: ۲۵۸)
 بعد از این ماجرا احوال وی را به ابراهیم‌خان ظهیرالدوله حاکم کرمان، گزارش دادند. ابراهیم‌خان او را خواست و مورد توجه و نوازش قرار داد. پس از خرابی کرمان به عتبات عالیات مسافرت کرد و سپس به یزد آمد و از آنجا به کرمان بازگشت و بی‌نهایت مورد نوازش والی وقت قرار گرفت. در این تاریخ آرامشی بر کرمان حکم فرما شده و عده‌ای از شعرا و نویسندگان و خط‌نویسان عهد زندیه در این خطه گرد آمده بودند. ابراهیم‌خان ظهیرالدوله به آنان توجه خاصی داشت. راجی در میان اقران به فردوسی ثانی و حکیم کرمانی اشتهار یافت و مورد احترام دیگران بود؛ به طوری که ابراهیم‌خان در سفری که به تهران نموده بود، او را به پیشگاه فتحعلی‌شاه آورد و به وی معرفی کرد و گویند: «شاه در جلسهٔ اول به این مصرع که خود گفته بود وی را آزموده و خواست که راجی مصرع دوم آن را بگوید» در جهان چون یوسف اما کس ندید» راجی فی البداهه می‌گوید: «حسن آن دارد که یوسف آفرید» (دانشور؛ ۱۳۷۵: ۲۶۰)
 «در کتاب‌هایی ماند حدیقه الشعرا از سید احمد دیوان‌بینگی شیرازی از ادبای قرن سیزدهم، مجمع‌الصفاء (از بزرگ‌ترین تذکره‌های فارسی عهد ناصرالدین‌شاه) از رضاقلی‌خان هدایت شاعر و نویسندهٔ مشهور قرن سیزدهم، روز روشن مولوی مظفر حسین متخلص به صبا، تذکرهٔ شبستان از محمدعلی حسینی حسینی مدرس و چند آثار دیگر به نام و زندگی راجی اشاره